

آزمون حضوری
شماره پنج

رشته انسانی



تجربی | ریاضی | انسانی

ویژه کنکور
۱۴۰۳

مرورنامه آزمون آزمایشی خلی سبز

| نام درس | مباحث | از صفحه | تا صفحه | مؤلف | ویراستار |
|---------|--|---------|---------|----------------|----------------|
| فلسفه | فلسفه ۱ درس ۳ و ۴ صفحه ۱۹ تا ۳۵ فلسفه ۲ درس ۳ صفحه ۱۳ تا ۲۱ | ۲ | ۶ | مجید پیرحسینلو | مهدی بادامه‌مه |



♦♦ درس ۳: فلسفه و زندگی ♦♦

گاه یکسان با باورهای دیگران و گاه متفاوت
 باورهای ما دربارهٔ جهان، انسان، مرگ و ... شکل‌دهندهٔ زندگی، عمل و تصمیم‌گیری ما براساس این باورها
 دانستن دلایل برخی و ندانستن برخی دیگر (قبول بر مبنای عادت)

بررسی سخنان و رفتارهای دیگران ← برخی ریشه‌های فکری ایشان
 تحلیل طرز فکر و عقیده‌های دیگران ← حدس‌زدن اهداف و معنای زندگی آن‌ها
 ویژگی‌های انسان‌های اهل تفکر فلسفی
 (۱) اندیشه دربارهٔ باورهای خود و ریشهٔ آن‌ها و چرایی قبول آن‌ها
 (۲) کوشش برای قراردادن بنیان‌های فکری خود در چارچوب عقل و منطق

| | |
|--|--------------------------|
| تأمل پیرامون باورهای مربوط به زندگی | اندیشیدن فیلسوفانه |
| آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها | |
| پذیرفتن باورهای درست / کنار گذاشتن باورهای نادرست | |
| (۱) ساختن بنیان‌های فکری شخص توسط خود او | پیامد اندیشیدن فیلسوفانه |
| (۲) رسیدن به آزاداندیشی | |
| (۳) کسب شخصیت مستقل | |

معنای زندگی

باورها: سازندهٔ فلسفهٔ انسان و دارای نقش تعیین‌کننده در انتخاب اهداف او
 فلسفهٔ هر کس معنادهنده به زندگی اوست.

(۱) اندیشیدن اندک در مورد اموری مثل حقیقت انسان و جهان / قناعت به آموخته‌ها از پیرامونشان / دقت نظر / ناچیز در انتخاب اهداف / بیشتر دنباله‌رو دیگران
 (۲) اندیشه پیرامون حقیقت انسان و جهان و در بسیاری موارد رسیدن به دانش درست دربارهٔ آن / برگزیدن نوع برخورد با باورهایشان
 هدف قابل قبول برای زندگی / داشتن معنای درست برای زندگی
 (۳) داشتن نگرش نادرست دربارهٔ جهان و انسان / خطا در انتخاب هدف / معنای نادرست برای زندگی

| برخی فواید تفکر فلسفی | | |
|---|---|--|
| دوری از مغالطه‌ها | استقلال در اندیشه | رهایی از عادت‌های غیرمنطقی |
| یکی از فواید آموختن منطق: توانایی تشخیص مغالطه‌ها و خارج کردن آن‌ها از باورها کمک گرفتن فلسفه از این فایدهٔ منطق ← تشخیص اندیشه‌های فلسفی درست از غلط / هموارشدن راه رسیدن به اعتقادات درست تلاش فیلسوفان در این زمینه: (۱) ارائهٔ فهم درستی از حقایق با کاستن از مغالطه‌ها (۲) بیان فهم درست با گفتار مناسب و خالی از مغالطه (۳) نشان دادن نمونه‌هایی از مغالطه‌های فلسفی جهت عبرت گرفتن دیگران | ویژگی فیلسوف واقعی: (۱) عدم پذیرش سخن بدون دلیل (۲) بنانکردن عقیده بر پایهٔ خیالات، تبلیغات و تعصب فرق فیلسوف با عموم مردم در مورد اندیشه در مسائل بنیادین فلسفی: (۱) جدیت در فکر (۲) استفاده از روش درست / پیروی از استدلال و نه اشخاص مثالی برای استقلال در اندیشه و رهایی از عادات تمثیل «تمثیل غار» افلاطون در کتاب جمهوری: ← نشان دادن چگونگی هدایت انسان به آزادی حقیقی توسط فلسفه (اصل تمثیل را در کتاب درسی بخوانید). | پذیرش عقاید غیرمنطقی توسط افراد جامعه ← نقد و ارزیابی آن افکار توسط متفکران جامعه ← تلاش متفکران برای آگاه‌ساختن مردم ← نپذیرفتن مردم و منحرف نامیدن متفکران ← استقامت متفکران حق‌طلب و دلسوز ← آشکارشدن باطل بودن آن عقاید غیرعقلی و آشکارشدن حقیقت ← روآوردن بسیاری از مردم به حقیقت |



♦♦ درس ۴: آغاز تاریخی فلسفه ♦♦

| عدم امکان تعیین آغاز زمانی و مکانی فلسفه (مانند همه دانش‌ها) | |
|---|--|
| <p>شکل‌گیری تمدن در هر جا ← اندیشیدن و سخن گفتن کسانی در مورد مسائل بنیادین ← تمدن‌های قدیمی‌تر و ساده‌تر، مقدمه و پلکان شکل‌گیری تمدن‌های جدیدتر ← آثار باقی‌مانده تا امروز ← گزارش اجمالی از دورترین اندیشه‌های فلسفی</p> | |
| <p>گزارش‌های موجود در مورد تمدن‌های غیر یونانی دارای اندیشه فلسفی (پیش از یونان) آثار به‌جامانده از این تمدن‌ها (حاکمی از تفکر فلسفی): / (تفکر در عبارات در صفحه ۳۰ کتاب درسی را مطالعه کنید.)</p> | |
| ایران (باستان) | سرزمین فلسفه خیز / اعتقاد سهروردی مسلمان: حضور انسان‌های وارسته، دارای اندیشه در مورد حکمت و فلسفه و دارای سلوک معنوی در دوره کیانیان / زمان: اندکی پیش از فیلسوفان یونانی و برخی هم‌زمان و برخی بعدتر گاتاه‌ها: سروده‌های زرتشت |
| چین | لاؤتسه (فیلسوف) |
| هند | اوپانیساده‌ها: شامل متون متعدد هندو |
| بین‌النهرین | - |
| مصر | - |

| فلسفه در یونان | |
|---|---|
| دلیل معروف بودن یونان به مهد تفکر فلسفی | <p>نخستین مجموعه‌ها یا قطعه‌ها به زبان فلسفی و یا دارای غلبه جنبه فلسفی</p> <p>شکل‌گیری دانش فلسفه (و نه تفکر فلسفی) در آنجا</p> <p>رواج تفسیر جهان با روش عقلانی</p> |
| زادگاه فلسفه یونانی | بخشی از یونان به نام ایونیا در غرب آسیای صغیر (ترکیه امروزی) / شش قرن پیش از میلاد |
| مهم‌ترین مسئله اندیشمندان در آغاز فلسفه | دگرگونی‌های پیوسته در جهان طبیعت و تحلیل عقلی درست آن |
| ویژگی فیلسوفان نخستین (پیش از سقراط) | <p>دانشمندان آشنا با همه علوم / عدم پرداختن صرف به فلسفه / عدم رواج واژه فیلسوف</p> <p>← نامیده‌نشدن این افراد به عنوان فیلسوف / جست‌وجو برای یافتن مبدأ دگرگونی‌ها</p> |

| | |
|--|-----------------------------|
| نخستین اندیشمند یونانی با اندیشه فلسفی مشخص | تالس (قرن ششم پیش از میلاد) |
| باقی‌نماندن نوشته از او / به دست آوردن افکارش از نوشته‌های فیلسوفان بعدی | |
| آب: عنصر اولیه و پایه و اساس سایر چیزها | |

| فیثاغورس | |
|--|--------------------------------------|
| پایه‌گذار ریاضی و هندسه و فلسفه ← پایه‌گذار ریاضی و هندسه و یکی از پایه‌گذاران فلسفه | نظر ارسطو پیرامون فیثاغورس و پیروانش |
| درآمیختن ریاضیات با فلسفه و عرفان به گونه‌ای خاص | |
| به کار بردن واژه‌های فلسفه، تئوری و کیهان برای اولین بار | |
| وقف ریاضیات و باعث پیشرفت آن / اعتقاد به صادق بودن اصول ریاضی درباره تمام موجودات / اعداد و اصول اعداد: عنصر اولیه همه موجودات | |



هراکلیتوس

| | | |
|-----------------------------------|--|--|
| دو دلیل شهرت او در تاریخ فلسفه | (۱) اندیشه وحدت اضداد (۲) اندیشه تغییر و تحول دائمی جهان: | قابل جمع بودن امور با هم ضد / ساخته شدن جهان با اضداد / ناگزیری ستیز و تضاد همه چیز در سیلان و حرکت / نبود امر ثابت در جهان / دگرگونی؛ قانون زندگی و قانون کائنات |
|-----------------------------------|--|--|

پارمنیدس

| |
|---|
| ملاقات سقراط جوان با او (نقل افلاطون) |
| عرضه فلسفه به شعر و بیان شاعرانه |
| توجه به مفهوم بودن و شدن و تفاوت آن دو برای نخستین بار |
| مخالفت با هراکلیتوس؛ نبود حرکت در جهان (هستی ثابت) |
| عدم راهیابی نیستی به هستی |
| وجود واقعیت جاودان و فناپذیر غیر قابل دسترسی حواس و قابل فهم با تفکر عقلی (لایه باطنی هستی) |

سوفیست‌ها

| | |
|----------------|---|
| زمینه ظهور | ورود دیدگاه اندیشمندان ذکر شده به آتن ← تبدیل آتن به مرکز نظریات گوناگون تضاد آرا و نظریات اندیشمندان باستان ← (۱) غلبه تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار (۲) ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان |
| ظهور سوفیست‌ها | نامیدن خود با عنوان سوفیست (= دانشمند) منادی بی‌اعتباری علم و اندیشه بیهوده دانستن نظریات جهان‌شناسان به دلیل تضاد با هم روی آوردن به فن سخنوری به جای آموزش علوم قرار دادن پیروزی بر رقیب به جای رسیدن به حقیقت به عنوان هدف انکار اصل حقیقت و واقعیت |

** درس ۳: «جهان علی و معلولی» **

علّیت

| | |
|---------------------------|---|
| چگونگی رابطه علّت و معلول | یکی از کهن‌ترین و شاید نخستین مسئله‌ای که فکر بشر را به خود مشغول ساخته |
| علّت | چیزی که به چیز دیگر وجود می‌دهد و آن چیز را به وجود می‌آورد؛ یعنی تا علّت نباشد آن چیز پدید نمی‌آید. |
| معلول | چیزی که وجودش را از چیز دیگر که همان علّت است، می‌گیرد (در وجود نیازمند به علّت است). |
| رابطه علّیت | رابطه وجودبخشی بین علّت و معلول / رابطه‌ای وجودی؛ وجود دادن یک طرف (علّت) به طرف دیگر (معلول) = وابستگی ضروری وجود یک چیز (معلول) به وجود دیگری (علّت) رابطه علّیت \neq رابطه دوستی؛ در آن ابتدا دو طرف دارند و سپس میان آن‌ها دوستی برقرار می‌شود. |



– منشأ درک و پذیرش رابطه علّیت –

– دیدگاه فیلسوفان اروپایی –

دکارت:

بدون دخالت تجربه: قبول علّیت مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی ← درک اصل علّیت بی نیاز از تجربه و آموزش
جزء اصول اولیه‌ای است که انسان از آن درک فطری دارد: هر انسانی با درکی از علّیت متولد می‌شود.
یافتن مصداق‌های علّت و معلول: نیازمند تجربه و آموزش

تجربه‌گرایان:

علم انسان (از طریق حس) به توالی پدیده‌ها
این توالی پدیده‌ها = رابطه علّیت: (انسان از طریق حس به توالی پدیده‌ها پی می‌برد و رابطه علّیت را بنا می‌کند).
مثال: با آمدن خورشید → روشن شدن زمین
با رفتن خورشید → تاریک شدن زمین
← پیداکردن یک رابطه ضروری بین طلوع خورشید و روشن شدن زمین: علّیت

دیوید هیوم

- مانند تجربه‌گرایان: حس و تجربه، تنها راه شناخت
- حسی نبودن رابطه ضروری میان علّت و معلول: نیاز به یک راه تجربی دیگر.
- چشم تنها اجسام و رنگ‌ها و شکل‌ها را می‌بیند (سایر حواس هم خصوصیات مشابه را) / وجودبخشی و ضرورت‌بخشی با حواس پنج‌گانه درک نمی‌شود.
- تکرار مشاهده → تداعی در ذهن (امر روانی) ← چیزی علّت چیز دیگر است. (رابطه علّیت)

دیدگاه فلاسفه مسلمان

- اصل علّیت: قاعده‌ای عقلی
- از تجربه به دست نمی‌آید / خودش پایه و اساس هر تجربه
- فطری و مادرزادی نیست.
- شکل‌گیری ذهن ← درک اصل امتناع اجتماع نقیضین ← درک علّیت

– اصل سنخیت علّت و معلول –

هر معلولی از هر علّتی پدید نمی‌آید / هر معلولی از علّت خاصی صادر می‌شود.
عمل همه انسان‌ها بر طبق این اصل / مانند اصل علّیت، یک اصل عقلی
نتایج اصل سنخیت: انتظار آثار خاص هر چیز از آن / کوشش برای شناخت ویژگی‌های هر چیز / کوشش برای شناخت تفاوت‌های اشیا

– با قبول اصل سنخیت می‌توانیم –

- برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شویم.
 - دانشمندان طبق این اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می‌کنند.
- دانشمندان طبق این اصل برای یافتن علّت یک پدیده، سراغ عواملی می‌روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد.



– اصل وجوب علی و معلولی –

علت به معلول ضرورت وجود می‌دهد (یعنی تا معلول به مرحله وجوب و ضرورت نرسد، موجود نمی‌شود). معلول با قطع نظر از علت دارای امکان ذاتی است: یعنی ذاتش نسبت به وجود و عدم حالت تساوی دارد، هم می‌تواند باشد و هم می‌تواند نباشد. پس علت به معلول خود ضرورت وجود می‌دهد و معلول را موجود می‌کند؛ به این ضرورت‌بخشی، اصل وجوب علی و معلولی گفته می‌شود.

– آثار و نتایج اصول مربوط به علّیت –

اصل علّیت: زمینه‌ساز نگاه ویژه به جهان، پی‌بردن به ارتباط و پیوستگی اجزای جهان به یافتن عامل پیدایش هر پدیده

اصل وجوب: تخلف‌ناپذیری و حتمیت در نظام هستی

اصل سنخیت: نظام معین هستی، می‌فهماند که هر چیزی نمی‌تواند منشأ هر چیزی باشد.